دورهٔ چهاردهم قانون گذاری — جلسه ۵۳ — شمارهٔ مسلسل ـ ۱۳۱۰

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۲۴ امرداد ماه ۱۳۲۳ ☆

فهرست مطالب :

۱ ـ تصویب صورت مجلس
۲ ـ مذاکره راجع بدستور
۳ ـ تقدیم یك فقره طرح قانونی از طرف آقای دکتر کشاورز
۴ ـ تقدیم دو ورقه سئوالیه از طرف آقای امیر تیمور
۵ ـ بقیه مذاکره در دستور
۶ ـ سئوال آقایان صفوی و فرمند و پاسخ آقای وزیر کشاورزی
۷ طرح و تصویب اعتبار نامه های آقایان تیموری و ذکائی
۸ ـ شور در گزارش کمیسیون بهداری راجع بلایحه سازمان بهداری
۹ ـ موقع و دستور جلسه آتیه ـ ختم جلسه

مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای سید محمد صادق طباطبائی تشکیل گردید

صورت مجلس روز یکشنبه ۲۲ امرداد ماه را آقای طوسی (منشی) قرائت نمودند ☆☆

۱ ـ تصویب صورت مجلس

رئیس ـ اعتراضی بصورت مجلس هست ؟

دولت آبادی ـ بنده یك طرح تفسیری تقدیم کرده‌ام نظر باینکه اکثریت نبود ماند چون با قید یك فوریت بود تقاضا میکنم امروز فوریت آن مطرح شود ورأی گرفته‌شود

رئیس ـ ربطی بصورت جلسه ندارد آقای صفوی

صفوی ـ بنده سئوالی از آقای وزیر کشاورزی کرده‌ام تقاضا دارم امروز جواب بفرمایند

رئیس ـ سئوال را باید کتباً بفرستید

صفوی ـ سئوال را کتباً مدتی قبل فرستاده‌ام

رئیس ـ در موقع طرح سئوالات جواب میدهند آقای دکتر شفق

دکتر شفق ـ عرض میکنم طرحیکه دیروز تقدیم‌داشتم چون اکثریت نبود خوانده نشد اجازه میدهید قرائت شود؟

☆ عین مذاکرات مشروح پنجاه و سومین جلسه از چهاردهمین دورهٔ قانون گذاری (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

ادارهٔ تند نویسی وتحریر صورت مجلس

☆☆ اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین با اجازه ـ آقایان : بیات ـ خاکباز ـ رحیمیان

غائبین بی اجازه ـ آقایان : افخمی ـ اقبال ـ مظفرزاده ـ شجاع ـ نقابت ـ اخوان ـ کفائی ـ صمصام ـ فتوحی ـ تولیت ـ فبادیان ظفری ـ جواد مسعودی ـ ملایری ـ سیف پور ـ دکتر عبده ـ دشتی ـ تهرانچی ـ معدل ـ حشمتی

رئیس ـ این ربطی بصورت جلسه ندارد . در صورت جلسه اگر اعتراضی هست بفرمایند ؟(اظهارشد ـ خیر) صورت جلسه تصویب شد .

[ـ ۲ مذاکره راجع بدستور]

رئیس ـ این جا در دستور سه فقره کار داریم

اولاً دو طرحی است که اینجا پیشنهاد شده مال آقای دکتر شفق و آقای دولت آبادی و بعلاوه عده‌ای از آقایان اجازه نطق قبل از دستور خواسته‌اند آقای دکتر مصدق‌هم پیشنهاد کرده‌اند که لایحه راجع بمازاد غله مقدم باشدحالا مجلس باید نظر بگیرد اگر نطق قبل از دستور را اجازه میدهند شروع کنیم (صحیح است) . آقای وزیر کشاورزی فرمایشی دارید ؟

وزیر کشاورزی (آقای اعتمادی) ـ بنده خواستم عرض کنم که برای جواب سئوال آقای فرمند وآقای صفوی حاضر هستم

[۳ تقدیم یك فقره طرح قانونی ازطرف آقای دکتر کشاورز]

دکتر کشاورز ـ یك پیشنهادی است ازطرف نمایندگان فراکسیون توده وچند نفر ازنمایندگان دیگر بنده با اجازهٔ آقایان میخوانم و تقدیم میکنم بآقای رئیس :

ریاست مجلس شورای ملی

نظر باینکه بانوان ایرانی در این چند سال اخیر که از نعمت آزادی بهره‌مند شده‌اند لیاقت وشایستگی خود را از هرحیث در انجام وظایفی که بآنها محول گردیده باثبات رسانیده‌اند و بانوان ایرانی حقاً سزاوار برابری وتساوی در حقوق ومزایای اجتماعی بامردان میباشند امضاءِ کنندگان تقاضای تصویب مادّه واحده زیر را مینمائیم .

مادهٔ واحده ـ بانوان میتوانند باهمان شرایطی که دربارهٔ مردان مقرر است از حقوق و مزایای اجتماعی از قبیل حق انتخاب کردن وانتخاب شدن در مجالس مقننه و انجمنهای ایالتی و ولایتی وغیره استفاده نمایند .

بهادری ـ این برخلاف اسلام است برخلاف قرآن مجیداست . خارج ازحدودیکه اسلام معین نموده رفتار کردن برخلاف قرآن ودین اسلام است . . .

رئیس ـ بکمیسیون مراجعه میشود .

جمعی ازنمایندگان ـ دستور ـ دستور .

[۴ ـ تقدیم دوورقه سئوالیه ازطرف آقای امیر تیمور]

رئیس ـ آقای امیرتیمور

امیر تیمور ـ بنده دوسئوال است نوشته‌ام وبمقام ریاست تقدیم میکنم یك سئوال از آقای نخست وزیر است راجع بمصاحبهٔ ایست که آقای دکترمیلسپو بامدیر روزنامه ستاره کرده‌است وخواهش میکنم آقای نخست وزیر و آقای‌وزیر خارجه تشریف بیاورند و جواب بدهند . سئوال دیگری‌هم از آقای وزیر دارائی راجع باستفاداتی که تا کنون کشور ایران از قانون‌وام واجاره کرده است نموده‌ام بنده‌میخواهم که بیایند اینجا و توضیح بدهند و ضمناً از مقام ریاست استدعا دارم چون آقای گله داری تقاضا کردند که یك تلگراف مهمی‌است‌که مربوط‌است به‌بندر عباس ومیخواهند بعرض مجلس برسانند اجازه بفرمائید که بعرض برسانند .

[۵ ـ بقیه مذاکره در دستور]

رئیس ـ ایشان اجازه خواسته اند ولی دو نفر قبل از ایشان هستند (گفته شد دستور) مخالفی هست با دستور ؟

حاذقی ـ بنده مخالفم .

رئیس ـ بفرمائید .

حاذقی ـ اساساً آقایان نمایندگان محترم تصدیق میفرمایندکه وظیفه ما به دو قسمت مهم تقسیم میشود که یك قسمتش عبارتست از تصویب لوایح و قوانینی که به مجلس تقدیم میشود و یك قسمت هم رسیدگی به تظلم های مردمان حوزهٔ انتخابیهٔ خودمان که آنها توقع دارند که به تظلمات آنها رسیدگی کنیم و بعرض مجلس شورای ملی برسانیم و بوسیله ریاست مجلس شورای ملی‌از متصدیان امور و هیئت دولت و از آقایان وزیران مسئول که عهده دار تأمین امنیت ، نظم ، رسانیدن احتیاجات مردم هستند بخواهیم که توجه بکنند وبعرض مردم برسند پس بنابراین بایستی بعرایض قبل از دستور آقایان نمایندگان توجه بفرمایند و اجازه بدهند که حرفهایشان را بزنند

زیرا اگر حرفها زده نشود احتمال قصور و تقصیر در انجام وظیفه برای آقایان فرض میشود این است که بنده استدعا میکنم آقایانی که موافق با دستور هستند اجازه بدهند که من دنبالهٔ عرایض خودم راکه در جلسه گذشته عرض کردم بعرض برسانم آنوقت وارد دستورشویم .

جمعی‌ازنمایندگان ـ دستور ـ دستور

رئیس ـ برای‌اینکه وقتمان تلف نشود رأی‌میگیریم...

اردلان ـ عده برای رأی کافی نیست

یکی ازنمایندگان ـ آقای‌حاذقی‌لطفاً پیشنهاد خودتان‌را پس بگیرید .

حاذقی ـ بشرط اینکه برای جلسه دیگر اجازهٔ بنده محفوظ باشد پس میگیرم

رئیس ـ آقای وزیر کشاورزی برای جواب دو فقره سئوالی که از ایشان شده است حاضر شده اند اگر مجلس موافق است جواب سئوالها داده بشود (یکی ازنمایندگان مطابق دستوری که معین شده‌است رفتار بشود) سئوال جزو دستور است و میخواستیم او را پیش بیندازیم

حکمت ـ اعتبارنامه ها مقدم است

رئیس ـ اعتبارنامه ها هم بعد میآید . جزو دستوراست

حکمت ـ طبق نظامنامه اعتبارنامه ها مقدم است

رئیس ـ حالا که اکثریت نیست نمیتوانیم رأی بگیریم

طباطبائی ـ سئوال بعد از دستورهم ممکن است

رئیس ـ همه کاری همه وقت ممکن است

صفوی ـ اجازه بفرمائید

رئیس ـ بفرمائید

حکمت ـ در چه موضوع است ؟

صفوی ـ راجع بسئوالی‌است که از آقای‌وزیر کشاورزی کرده ام .

رئیس ـ حالااجازه میفرمائیدایشان‌سئوالشان‌رابکنند.

عدهٔ ازنمایندگان ـ مانعی ندارد .

حکمت ـ مخالف نظامنامه است . اعتبارنامه ها دردستور مقدم است .

رئیس ـ مخالف نظامنامه نیست دستور بسته‌بنظر خود مجلس‌است آقای صفوی بفرمائید .

[۶ ـ سئوال آقایان صفوی وفرمند و پاسخ آقای وزیر کشاورزی]

صفوی ـ سئوال مقدم بردستوراست ، سئوالیکه بنده از آقای وزیر کشاورزی در مدتی قبل کردم مربوط به بذری است که بایستی برای‌جنوب فرستاده‌شود بطوریکه آقایان میدانند درسال گذشتند بواسطهٔ خشکسالی بکلی‌محصول آنجا ازبین رفته ومردم دچارقحطی و گرفتاری وبدبختی شده اند و حتی تخمی هم که کاشته بودند بدست آنها نرسید بنده سئوالی کردم برای بذری که بایستی امسال برای آنها تهیه شود دربنادر جنوب بطوریکه اغلب آقایان اطلاع دارند بواسطهٔ کم آبی و نیامدن باران اغلب مردم دچار زحمت میشوند ومیدانید که امسال فوق‌العاده بداست واطلاع دارید آقایان که دو سال قبل هم قحطی یکمده زیادی از مردم بیگناه آنجا را از بین برد در سال گذشته هم یك مختصر بارندگی آنجا شد ولی جبران سال قبل نشده بود ولی متأسفانه بواسطهٔ اینکه پارسال بارندگی خیلی خیلی کم‌شد آب خوراکی‌هم بدست‌مردم نیامد و وضعیت‌محصول‌فوق‌العاده بد شد و مردم هم فوق‌العاده در زحمت هستند و امسال اگر بذر برای آنهاتهیه نشود متأسفانه امسال هم مثل سال‌گذشته دچار همین گرفتاری خواهند بود و بایستی بذر آنجا خیلی زودتر تهیه بشود ودر دسترس مردم گذاشته بشود زیرا که درنقاط گرمسیربایستی دراول آبان بذرشان را بکارند این‌بود که بنده چندی قبل از وزارت کشاورزی سئوال کردم و با آقای دکترمیلسپوهم شفاهاً بنده و آقای دشتی‌نمایندهٔ‌مجلس مذاکره کردیم وتقاضا کردیم که این بذر زودتر دردسترس آنها گذاشته شود مقداراین بذرهم‌خیلی نا قابل است واگر دولت بذر را در اختیار آنها نگذارد موقع خواهد گذشت و بدبختانه آنها دچار همان سختی خواهند بود که هستند و حتی ذرتهای مرطوبی که درانبارهای گمرك مدتها مانده‌است وازنقطهٔ نظربهداشت هم قابل‌خوراك نیست حاضر شده اند که بآنهابدهند و آنها بخرند وباآن ارتزاق کنند ودراینموضوع

ما باادارهٔ غله و نان مذاکره کردیم چون گفتند که ماوسیله نداریم گفتیم همین‌ها را بدهند و با آقای دکتر میلسپو که مذاکره کردیم ولی بمااطلاع میدهند گویادادن بذرمتأسفانه موکول شده‌است به بعد وازدادن آن خودداری کرده‌اند برای این که گفته‌اند چون این آئین نامه اخیر با نظر نمایندگان مجلس تعهد سهم رعایا را در این آئین نامه لغو کردیم متأسفانه ما نمیتوانیم بذر بدهیم این خیلی اسباب نگرانی بنده شد این بود که تقاضا کردم آقای وزیر کشاورزی زودتر برای رفع نگرانی مردم آنجا که چشمشان بکمك و مساعدت دولت است و توقع دارند که زودتر یك بذری بآنها بدهند و آقای وزیر کشاورزی اقداماتی که برای بذر کرده‌اند بعرض مجلس شورای ملی برسانند

وزیر کشاورزی ـ همینطور که آقای صفوی نمایندهٔ محترم فرمودند واقعاً وضعیت بذر ایالات جنوب ایران خیلی بد بوده و حتی برای قوت لایموت خودشان هم محتاجند و گرفتارند اما این موضوع تنها در قسمت جنوب نبوده و در سایر قسمت های کشور هم بواسطهٔ خشکسالی و این که زمستان بسیار بدی داشتیم وضعیت بذرشان خوب نیست و از همه جا تقاضا میشود و کلیهٔ تقاضا هائی که تا امروز بوزارت کشاورزی رسیده است درحدود ۱۱ هزار تن است که تقاضا کرده‌اند از آن طرف با ترتیبی که برای جمع آوری غله در نظر گرفته شده‌است تصدیق میفرمائید که وزارت کشاورزی نمیتواند تمام این تقاضا ها را انجام بدهد لذا کوشش کردیم و یك صورتی درست کردیم برای این که بآن قسمتهائی که بیشتر احتیاج دارند بآنها کمك بشود و آن قسمت هم قسمت جنوب است ولهذا به آقای نخست وزیر و وزارت دارائی از طرف وزارت کشاورزی مراجعه و اقداماتی شده و تقاضای پنج هزار تن بذر شده است که پس از حصول اجازه آنها را بفرستیم بجنوب و از آن جمله برای بوشهر در حدود ۴۴۰ تن بذر خواهد داشت و مقداری هم در حدود ۲۰ تن ۱۸ تن و کسری ذرت خوشهٔ بآنها داده می شود که از آن استفاده بکنند. اضافه بر آن داخل یك مذاکراتی شدیم که از خارج هم درحدود یکهزار تن غله وارد کنیم و بدهیم برای بذر خوزستان و بنادر جنوب یعنی عباسی و بوشهر و لنگه و امیدواریم دراین قسمت هم موفقیت پیدا کنیم وقبل‌ازاینکه موقع کاشت بگذرد انشاءالله این بذررا بآنهابرسانیم ومخصوصاً از آقای وزیر دارائی‌هم تقاضا کردم بنده شخصاً که دراین باب اقدامی بکنند که بلکه زودتر این بذر را بما بدهند وموکول نکنند به تغییر جدیدی که در آئین‌نامهٔ جمع محصول پیدامیشودو بآقای نمایندهٔ محترم آقای صفوی امیدواری میدهم که بلکه در ظرف همین یکی دو هفته ما بتوانیم این بذر را به بنادر جنوب برسانیم

رئیس ـ آقای صفوی

صفوی ـ متأسفانه شرحی را که فرمودند و تقسیماتی‌را که برای بذر بنادر جنوب قائل شدند که ۴۰۰ تن برای بنادر اختصاص داده شده و این کافی نیست زیرا بطوری که اطلاع دارند وزارت کشاورزی در دو سال قبل بعد ازقحطی بذری که بآنها داده است ۶۰۰ تن بوده است در صورتیکه بهیچوجه کافی نبود و اگر بذر کافی داده شده بود بابارندگی که شد شاید مصرف دو سال آذوقهٔ آن حدود را تأمین میکرد ولی فقط ۶۰۰ تن بذر دادند که ۳۵۰ تن گندم بود و ۲۵۰ تن جو و تمام آنها شکایت داشتند که اگر بذری که بما داده بودند کافی بود گذشته از این که صدی بیست علاوه برمیزان بذر رد میکردیم تا دو سال دیگر خیال ما راحت بود حالا ۴۰۰ تن میخواهند برای آنها تخصیص بدهند بنده تصورمیکنم که ۴۰۰ تن برای یکی دو نقطهٔ آنجاهم کافی نخواهد بود بنده استدعا میکنم که اگر خواستید کمکی بکنید مصرف بذر آنجا را باندازهٔ کافی تأمین بکنید چون آنجا غالباً دچار نیامدن باران و خشکسالی است اگر امسال خداوند تفضلی کرد و باران آمد اقلاً بتوانند آذوقهٔ خودشان را تأمین بکنند اینست که در این قسمت استدعا دارم توجه بفرمائید

وزیر کشاورزی ـ این مقداری را که بنده عرض کردم ۴۴۰ تن است آنهم فقط برای بوشهر و شبانکاره است بیست تن هم ذرت

است وبرای سایر نقاط هم آنها علیحده است و صورتی دارد که میخوانم برای تان. فسابیست تن جهرم ۲۵ تن گرمسیرات جنوب ۱۷۰ تن برای لار ۵۰ تن برای کازرون ۳۰ تن داراب و فسا که‌عرض کردم ۲۰ تن بوشهر وشبانکاره ۴۴۰ تن

رئیس ـ آقای فرمندهم سئوالی‌داشته‌اند اگرحاضرید بفرمائید.

فرمند ـ سئوال بنده در خصوص جنگلها بودومربوط بنظارت وزارت کشاورزی.

از وزارت کشاورزی و هیئت‌وزراءتصویب‌نامهٔ صادرشده بود و در روزنامه‌ها اعلان شده بود که سالی ۳۶۰ هزار متر کوپ اجازه داده شود که جنگل ریخته شود و بعد در یکسال‌و نیم پیش وزارت کشاورزی اجازه نامه‌ها وموافقت نامه هائی صادر میکنند بمیزان سه میلیون و پانصد هزار متر مربع که در واقع ۱۱ برابر آنمقداری که دولت ضمن تصویب نامه معین کرده‌بود ریخته بشود ویازده برابر بیشتر از آن موافقت نامه صادر میکند این جا موضوع اینستکه دولت یك تصمیمی گرفته است که در آن سال ۳۶۰ هزار متر کوپ چوب بریزند و این موافقت نامه ها مطابق قانون جنگلها بوده است که صادر شده اما در واقع یازده مقابل بیش از میزان تصویب نامه بوده است و خواسته اند یك خلفسه کاری در آن بشود و وزارت کشاورزی سوء استفاده کرده بود از آن قانون جنگل وزارت کشاورزی در حدود سه میلیون و پانصد هزار متر کوپ موافقت نامه صادر کرده‌است درصورتیکه مطابق مقرراتی که دارند نمی‌بایستی زیادتر از میزان تصویب نامه صادر بکنند چون جنگلهای شمال، و کلای شمال باید درست‌مسبوق باشند که دارد بکلی از بین میرود و این درختهای کهن سال را اگر ببرند وتازه جاش هم بکارند تازه صدها سال لازم دارد که اینها بشود درخت واگرجنگلهای‌شمال را باین نحوی که‌الآن‌مشغول ریختن آن هستند جلو گیری نشود برای فلات ایران از لحاظ بی آبی و آب وهوا وبی بارانی‌خطرات زیادی بوجود خواهد آورد عرض کنم وقتی که دولت متوجه میشود که وزارت کشاورزی یك خلفسه کاری بوجود آورده است که موافقت نامه‌هائی باین عددعجیب داده است بمردم ومتوجه میشود که در محل هم یك‌خلفسه کاری‌هائی با این موافقت نامه‌ها جنگلبانها بااین‌اشخاص که موافقت‌نامه‌دارندمیکنند و باسم پروانه از آن استفاده‌می کنند و جنگلها رامیریزند نباید بگذارند که چوب‌جنگل‌ها را بریزند. چندی قبل‌یك هیئت باز رسی از هیئت وزرا مامور میشود برای رسیدگی باین خلفسه کاری‌ها بروند آن جا ورسیدگی کنند بازرس‌ها هم میروند آنجاتحقیق‌می کنند و یك دوسیه‌هائی هم‌تشکیل میدهند دوسیه های خیلی مفصلی آنها را میآورند بتهران درتهران که میخواهندرسیدگی کنند این بازرسهااشخاصی بوده اند بیطرف و بی غرض و میخواهند وقتی که مشغول بشوند و کار را بجائی برسانند که یکعده از اشخاص متنفذ تهران مورد تعقیب واقع بشوندیا کسانی که دراینکارشریك بوده‌اند تعقیب نمایند این بازرسها را از هیئت وزراء همه را متفرق‌میکنندواین‌دوسیهٔ مفصلی‌را که‌برای‌اینکارتهیه کرده بودند بحال تعلیق میافتد بعد آنها را میفرستند به وزارت دادگستری در وزارت دادگستری‌هم‌آقای هنری با دو نفر دادیاراین دوسیه‌هارامیخوانند واین دوسیه‌های‌خیلی‌مفصل‌را اینها میخوابانند موقعی هم که بنده این سئوال را از آقای نخست‌وزیر کردم آقای نخست‌وزیر فرمودند که دوسیه ها را جمع میکنم که بیائید به بینید بنده بآقای نخست وزیر عرض کردم که سئوال‌وکیل ازوزیر خودمعنایش‌این‌است که‌وزیر یارئیس‌ادارهٔ مربوطه متوجه باین موضوع بشود وآنرا تعقیب بکند ونتیجه‌اش را به وکیل درمجلس بگوید من‌از آقا استدعا دارم که شما تعقیب بکنید و قضیه را بفهمید و بعد بیائید در مجلس جواب بدهید و الا سئوال یك وکیل از وزیر در مجلس مشاعره نباید باشد و معنی باید داشته باشد معنایش این است که شمارسیدگی کنید به‌بینید این کار چه جور بوده است نتیجه را بگوئید که اینجور بوده است و الا سئوال و جواب وزیر و وکیل نبایستی جنبهٔ مشاعره پیدا کند حالاهم من نمیخواهم زیاد

حرف بزنم که جنبهٔ مشاعره را داشته باشد و یك تذکری راهم که از این سئوال خارج بوده است بآقای وزیر کشاورزی عرض میکنم و آن اینست که وزارت کشاورزی اسناد خرجی که داده است و پولهائیکه وزارت کشاورزی از دولت گرفته است آن اسناد خرج با پولها ۳۳ میلیون تفاوت دارد گرچه این موضوع از سئوال من خارج است ولی من خواستم این راهم عرض کنم که توجه بفرمائید.

وزیر کشاورزی ـ بنده شخصاً از طرز سئوال آقای فرمند تشکر میکنم و استدعا میکنم آقایان درست توجه بفرمایند وزارت کشاورزی اعلان میکند درسال ۱۳۲۲ که ۳۵۰ هزارمتر مکعب حاضر است که پروانه قطع چوب صادر کند دو موضوع معمولاً در نظر گرفته میشود و این اعلان صادر میشود یکی احتیاجات کشور و یکی هم قوهٔ توانائی جنگلها که در چه محل و در چه موقع میشود از چوبهای آن استفاده کرد ولی اینجا تصور میکنم برای جنابعالی یك مختصر سوءتفاهمی شده و آن همین موافقت‌نامه و پروانه است موافقت‌نامه مطابق همان قانون جنگل‌ها که ملاحظه فرمودید بهر کس که مراجعه کند داده میشود موافقت نامه عبارت از اینست که یك زیدی که دارای این موافقت نامه است از طرف وزارت کشاورزی یعنی این آدم تاامروز نسبت بقانون جنگل تخلفی نکرده و حق دارد که از ادارهٔ املاك یا صاحبان جنگلهای خصوصی خرید کند و این برای ادارهٔ املاك اتفاقاً هرچه داوطلبان بیشتر باشند ایشان درمزایده نفع میبرند باین معنی که افرادیکه این موافقت‌نامه‌ها دستشان است میروند در مزایده‌ها شرکت میکنند ولی از آنطرف مالکین املاك و مالکین خصوصی که برایشان مقداری چوب تعیین شده است حق ندارند یك مترهم اضافه بر آنچه وزارت کشاورزی بآنها صورت داده است از چوب بفروشند لهذا باصدور سه میلیون و ۲۲۶ هزارمتر مکعب موافقت‌نامه جهت خرید چوب در سال مزبور فقط در حدود صد هزار متر مکعب چوب فروخته شده وقطع شده لهذا ازین بابت نگرانی نیست وقتی آقایانی که موافقت‌نامه در دست دارند رفتند از ادارهٔ املاك و یا مالکین خصوصی چوب خرید کردند مراجعه می کنند به وزارت کشاورزی آنوقت برای آنها پروانه صادر میشود واین پروانه است که بآنها اجازه میدهد درجنگلها چوب قطع بکنند والا آنموافقت‌نامه صورت اجازه ندارد برای آنها اما ازین توضیح که دادید راجع به جنگلها ملاحظه میفرمائید ایران تقریباً در حدود ۱۹ میلیون ونیم هکتار جنگل دارد این جنگلها یکی از بزرگترین سرمایه های این کشور است اما چه جور حفظ میشود؟ بنده که وزیر کشاورزی هستم با کمال تأسف خدمتتان عرض میکنم که قدرت حفظ این جنگلها را ندارم برای حفظ همچه محوطهٔ اقلاً چندین هزارپاسبان ومحافظ جنگل لازم دارد به بنده در بودجه بیش از صد نفر اجازه نداده‌اند که آنها هم برهنه و گرسنه هستند که در آنجا نگه بدارم زیرا که وسیله‌ای که حقوقی بآنها بدهم و زندگانی آنها را تأمین بکنم ندارم انشاءالله با کمك آقایان این قسمت هم درست میشود اما راجع بخلاف ترتیب‌ها وبی نظمی هائیکه در کلیه امور هست زبان اینجا رسید ولال گردید آقایان همه بهتر از بنده میدانند اشکالات و ضعف و سستی وبی تکیه گاهی بقدری زیاد است که هیچ وزیری بهیچوجه نمیتواند بهیچ کجاتکیه کند بانهایت جرأت حضور مجلس شورای ملی و آقایان عرض میکنم دوسیهٔ زندگانی بنده بسی پاکست اما به کی تکیه کنم

رئیس ـ آقای فرمند

فرمند ـ عرض کنم که همین موافقت‌نامه که فرمودید اگر دقت بفرمائید همین موافقت نامه ها کار این جنگل ها را خراب کرده است این وزارت کشاورزی را که میفرمائید اقتدار ضبط آن را ندارد ولی فهم این را دارد که نباید یازده برابر ۳۶۰ هزار متر که تصویب نامه صادر کرده موافقت بکند این اقتدار نمیخواهد هیچ نمیخواهد نباید ۱۱ برابر پروانه موافقت نامه صادر کند. اجازه بفرمائید آقایان در مجلس وزیر و وکیل نبایستی با هم مشاعره بکنند بایستی بگردند مبنای اصل قضیه را بفهمند ۳۶۰ هزارتاسه میلیون و ۲۲۶ هزارتا که فرمودید وقتی که صادر میکنید بایدمتوجه

باشید که میخواهند سوء استفاده نمایند همین دولت پیشی فهمیده بوده است که وزارتخانه اش سوء استفاده کرده است بازرس فرستاده است بازرسها وقتی که رفته‌اند آنجاو فهمیده بودند که خراب کاریهائی شده است و نزدیك است که ریش یکعده از متنفذین تهران گیر بیفتد آنوقت آقایان مفتشین را پراکنده کردند فرستادند اینطرف و آنطرف دوسیه هارا متفرق کردند (رفیع ـ متنفذین کی‌ها بوده اند) بیست‌روز سی روز زحمت بکشید اگر توانستید این دوسیه ها را جمع کنید ورسیدگی کنید؟ دوسیه ها را عمداً متفرق کردند ما که اینجا مشاعره نداریم من بگویم وشما بگوئید شما بگوئید وبنده بگویم واین قضیه رد بشود وبرود. دوسیه ها را گم کردند هیئت وزراء هم نتوانست تعقیب بکند بعد هم میگوئید وزراء متکی ندارند مقصودتان مجلس بود ما ازاولی که این دولت تشکیل شد ۶۵ رأی دادیم و بعد از استیضاح که مجلس کرد ۱۰ رأی هم اضافه کردیم برای اینکه نجابت کرد دولت وبه حکمیت قضیه را رجوع کرد حالا بیرون میگویند که مجلس نمیگذارد. مجلس که بشما ۷۰ رأی داده است خود آقایان وزراء بایستی یکقدری قدرت نفس داشته باشند شماوقتی کار بکنید ماجبوریم بشمارأی بدهیم (صحیح است) متکا باید نفس وزراء باشد.

وزیر کشاورزی ـ اجازه میفرمائید (بفرمائید) یك مختصر توضیحی هم بدهم ببخشید آقا، توجه بفرمائید آقای فرمند این موضوع درست اشتباه است موافقت نامه بار دیگر عرض میکنم هرچه بیشتر صادر بشود بنفع دولت است (فرمند ـ بضرر مملکت است) خیر آقا در حراج هرچه مشتری زیادتر بشود بنفع فروشنده است این را توجه بفرمائید این موافقت نامه پروانه نیست پروانه عرض میکنم صد هزار متر هم صادر نشده یعنی آن ۳۶۰ هزار متر کوب که وزارت کشاورزی اعلان کرده خریدار پیدا نکرد بفرستید تحقیق کنید از راه رسمی و از راه موافقت نامه نبود آمدند و رفتند اشخاصی از وضعیت ضعف بنده، از ضعف بنده وزیر کشاورزی که نمیتوانم جنگل را حفظ کنم ازو استفاده کردند آمدند رفتند با مالکین درمحل خودشان بطور قاچاق بریدند و حمل کردند با کامیونهائی که نتوانستند و نمیتوانیم جلوشان را را بگیریم ولی موافقت‌نامه موجب اینکار نشد درموافقت‌نامه اشتباه نفرمائید ولی در دوسیه ها موافقم باجنابعالی و یك مقداری ازاین دوسیه ها را بدون اینکه ازهیچکس پروا داشته باشم بدیوان بازرسی کل کشور فرستادم و گویا بازرسان نخست‌وزیری امروزه اینکار را نتوانستند دنبال کنند اتومبیل نداشتند بروند خرج سفر نداشتند دوهزارتا برای بنده ایراد گرفتند لهذا از بازرسی کل کشور تقاضا کردم که این قسمت‌ها را که مراجعه کرده‌ام توجه بکنند وتکمیل بکنند و مورد تعقیب قرار بدهند بنده از هیچکس پروائی ندارم دوسیه اگر مال پدرم هم باشد میفرستم بدیوان کیفر دوسیه ها الآن دردیوان کیفر و ادارهٔ بازرسی کل مملکت است که آن اشخاصی را که آقا درنظر دارند محکوم کنند.

۷ـ طرح وتصویب اعتبارنامه‌های آقایان تیموری وذکائی

رئیس ـ اعتبارنامهٔ آقای تیموری مطرح است آقای فرخ بفرمائید.

فرخ ـ بطوریکه آقایان مستحضر هستند حوزهٔ انتخابیه خوی وماکو شش حوزه است حوزه‌های عملدار و گرکر و یکانات وخوی وسلماس وماکو ومرند شکایاتی که ببنده رسیده است از حوزهٔ ماکو است این شکایات سه قسمت است یك قسمت مربوط است بجریان انتخابات که چون اعتبارنامهٔ آقای امامی تصویب شده است دیگر در آن باب چیزی عرض نمیکنم....

روحی ـ بنده تقاضا میکنم بفرمائید

فرخ ـ موضوع دیگری که قابل ذکر است دو قسمت است یکی راجع بمداخلات مأمورین دولت است یکی هم مربوط است بعملیات کسان آقای تیموری اما مداخلات مأمورین دولت، تلگرافی است که استانداری استان چهار مخابره میکند بفرمانداری خوی و ماکو: باین مضمون ۱۰۹ وکیل دومی که از طرف خوی و ماکو انتخاب خواهد شد عباس پاشا تیموری است با شهربانی تشریك مساعی نمائید

۱۱۶ دکتر مرزبان . اقدام دوم تعیین اخوی ایشان است بسمت ریاست ژاندارمری آقای رضاقلی تیموری معروف بشجاع الدوله ایشان باشلاق زدن اشخاص وبا تهدید کردن وسر نیزه آرائی برای ایشان تهیه کردند من جمله نجفقلی خان مالك چالدران را چوب بستند که شکایاتی کرد بوسیلهٔ بنده و دیگران بمقام وزارت دادگستری ووزیر دادگستری هم اقداماتی کرد که آن اقدامات بالاخره منجر بقتل اوشد که درجلسهٔ گذشته بعرض مجلس رساندم ودیگر اینکه درقالاجوق مأمورین ژاندارمری رفتند با تیر و تفنگ مداخلاتی کردند و بالاخره غلام پسر قنبرعلی کشته شد، شکایتی که کرده‌اند بعرض مجلس میرسانم :

جناب آقای فرخ نمایندهٔ مجلس محترماً از مقام عالی استدعا میشود بشکایات من ستم دیده توجه فرموده عرایضم را که بارها بمقامات عالی شکایت کرده‌ام بگوش نمایندگان ملت برسانید:

درموقع انتخابات نظر به ظلمهائی که ازسردارما کو در موقع مشروطیت ما رعایا دیده بودیم حاضر نشدیم به پسر ایشان عباس پاشا رأی بدهیم نظر بر اینکه برادر-ایشان سرهنگ تیموری رئیس امنیه ماکو وخوی میخواستند بزور سر نیزه از ما رعایا رأی بگیرند بهانه تراشیده و روی عنوانی ما را بردند چون معلوم شد نظر ایشان رأی گرفتن است در بین گفتگو فرزند من کشته شد اینك ازجنابعالی استدعا میشود که بدین امر توجه بفرمائید تا خون پسرم بهدر نرود امضاء (غیب‌علی) این کاغذ البته بعداز اینکه بعرض مجلس رسید بمقام وزارت دادگستری تقدیم خواهد شد برای تعقیب قضیه همچنین خانهٔ چنگیزخان را گلوله باران کردند برای اینکه مخالف بوده‌است با این طرز انتخابات اینها را بطور اجمال خدمت آقایان عرض کردم که خاطر آقایان نمایندگان مستحضر باشد اعتراض دوم بنده نسبت بایشان عدم صلاحیتشان است این عدم صلاحیت را که قانون انتخابات ذکر میکند راجع بشرایط انتخاب شوندگان است درمادهٔ ۱۲ جزء سوم مینویسد خط وسواد فارسی باندازهٔ کافی داشته باشد خط وسواد کافی باندازهٔ کافی درمجلس شورای ملی بقدری است که یك ماده قانون را نماینده بتواند بخواند و بنویسد این شکایت بانجمن نظار شده است و مورد توجه قرار نداده‌اند درشعبه هم مذاکره شده‌است و گفته‌اند چون انجمن نظارت ترتیب اثر نداده‌است قابل تعقیب نمی باشد ولی بعضی ازاعضای شعبه گفتند که درهر حال باید رسیدگی کرد سه نفر معین میشوند برای اینکار آقای نقابت و آقای مجد و آقای طهرانی متأسفانه این جلسه تشکیل نمیشود بعضی از آقایان مثلا آقای یمین میگویند ما امتحان کردیم. آن ورقهٔ را که ایشان امتحان کردند اگر ارائه بدهند معلوم میشود که ایشان خط وسواد فارسی باندازهٔ کافی ندارند بعد هم آقای اردلان فرمودند که ایشان یك کلمه نوشته اند .....

اردلان - یك سطر نوشته اند .

فرخ - اجازه بفرمائید این موضوع موضوعی نیست که با سفسطه بتوانیم بگذرانیم البته دو شکل ممکن است یکی اینکه ایشان بیایند پشت کرسی و یك ماده قانون را یکی از آقایان بخوانند وایشان بنویسند ولی برای اینکه حیثیت مجلس محفوظ باشد پیشنهاد میکنم ازمجلس یك کمیسیونی معین شود یاهمان شعبه چند نفر را معین کند که آنها درحضور هم نه اینکه منفرداً شخصی بگوید من فلان چیز را گفتم و او نوشت آنهامجتمعاً بگویند واوبنویسد وبعرض مجلس برسانند وبعد رأی گرفته شود باعتبارنامهٔ ایشان چرا؟ برای اینکه علی الاصول یك فرمایشی آقای مرآت اسفندیاری پریروز فرمودند و بنظر بنده فرمایش منطقی بود وآن این بود که احترام امامزاده را باید متولی نگاهدارد اگر ما رعایت اصول وقوانین را نکنیم نمیتوانیم متوقع باشیم که قوهٔ قضائیه واجرائیه ما رعایت قانون را بکنند این اصل که قابل تردید نیست لذا خوبست که عدهٔ از نمایندگان با حضور یکدیگر باین موضوع مهم رسیدگی کنند وگزارشی بمجلس بدهند چیزی نیست که قابل اغماض و رد باشد اما علت عدم توجه مردم نسبت بایشان و کلیهٔ اهالی آنجا این است که رفتار این آقایان با رعایای آنجا تقریباً روی اصول فئودالیته است یك مثل را درخاتمهٔ عرایض خودم عرض میکنم وقضیه

را میگذارم بقضاوت مجلس همین آقای عباس پاشا خان ۱۸ ساله بودند ومریض شدند یك طبیب از خوی آوردند برای معالجهٔ ایشان درعمارت بودند ونگاه میکردند گفتند این کیست که دارد میآید گفتند دکتراست گفت به بینم این تیر دیر یعنی میخورد یا نمیخورد تفنگ را برداشت و کتف دکتر را هدف قرارداد ودکترصیدشد این هم اخلاق ورویهٔ آنها است که مردم آنجا رضایت ندارند مردم ناراضیند و شاکیند وازاین قبیل قضایا زیاداست نمیخواهم وقت مجلس را بگیرم دراین موضوع خط وسوادفارسی چون موضوع مربوط است بصلاحیت شخصی خود ایشان باید بیایند ودفاع کنند این موضوعی نیست که آقای مخبر یا آقای امامی یا دیگران دفاع کنند موضوع صلاحیت نماینده همیشه باید از طرف خود نماینده دفاع شود ووکیل دیگر نمیتواند ...

دکتر کشاورز - پس چرا بپیشه‌وری اجازه ندادید بیاید دفاع کند.

فرخ - من کی نگذاشتم بمن چه ؟ بله آقا این است که بنده پیشنهاد کردم که یك کمیسیونی برای رسیدگی باینکه ایشان بقدرکفایت سواد فارسی دارند تشکیل بشود و آن کمیسیون گزارش خود را بمجلس شورای ملی بدهد بعد باعتبارنامهٔ ایشان رأی گرفته شود .

رئیس - آقای امیرتیمور .

مخبر شعبه چهارم (آقای امیرتیمور) - دفاع ازانتخابات آقای تیموری برحسب وظیفه بعهدهٔ بنده محول است برای اینکه درشعبه بنده را بسمت مخبری تعیین کردند و لازمست بطور معترضه بعرض مجلس برسانم در ادوار مختلفه که بنده افتخار خدمتگزاری را داشته ام هیچوقت نه در کمیسیونها ونه درشعب داوطلب مخبری یا درمجلس داوطلب ریاست یا نیابت ریاست نبودم واینداوره هم نیابت ریاست بنده درمجلس برای اطاعت امر آقایان بوده‌است ودرشعبه هم تصمیم گرفتند بنده مخبرباشم اطاعت امر کردم وادب را دراطاعت دیدم اما راجع بجریان انتخابات ماکو و بیاناتی که نمایندهٔ محترم آقای فرخ فرمودند اصولاً ازدو نظر بعقیدهٔ بنده میشودراجع باعتراض بریك نماینده صحبت کرد یا راجع بجریان است یاراجع بصلاحیت شخصی راجع بجریان انتخابات چنانکه خودشان هم متذکرشدند چون صحت جریان انتخابات راجع بنمایندگی آقای جمال امامی از طرف مجلس شورای ملی تصویب و تأییدشد دیگر از بابت جریان انتخابات جای صحبت و مذاکره برای آقای فرخ باقی نمی‌ماند و صحت جریان انتخابات به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است و نسبت بصلاحیت شخصی آقای تیموری هم هیچیك از این فرمایشاتی که آقای فرخ فرمودند بنیاد و اساس صحیحی نداشته وندارد صرفاً یك دعاوی شخصی است که ایشان کردند و یك بی لطفی است که نسبت بتیموری خواسته اند اعمال بکنند و ابداً وارد هم نیست و آنچه که بنده شخصاً اطلاع پیدا کردم آقای تیموری وخاندان ایشان یکی ازخاندانهای قدیمی و محترم ایران هستند که متجاوز از سیصد سال در یکی از نقاط مهم سرحدی ایران با کمال شرافتمندی حفظ آبروی ملت و دولت را کرده‌اند و در راه حفظ این مملکت جانبازی کرده‌اند حالا بایك چنین خانواده‌ای چه جور میشود مخالفت کرد و گفت که یکنفر از افراد آنها صلاحیت نمایندگی را ندارد ومعروفیت محلی ندارد بنده برخلاف نظر آقای فرخ آقای تیموری را کاملاً صالح برای نمایندگی از خوی تشخیص داده‌ام اما راجع بتلگرافی که از استاندار چهارم فرمودند که بفرماندار آنجا مخابره شده است این تلگراف سوادی هم درپروندهٔ انتخابات داشت که البته مورد توجه اولاً انجمن نظار و بعدمورد توجه شعبه هم قرارنگرفته است و این یك سواد تلگرافی است که نمیشود بآن ترتیب اثر دادو برفرض صحت این تلگراف هم شاید نظیر تلگرافات دیگری که آقای فرخ بآنها استناد میکردند باشد و از کجا معلوم است که تلگراف کننده هم یك غرض شخصی باآقای تیموری نداشته‌است بنابراین نمیشود این تلگراف ملاك قضاوت مجلس شورای ملی قرار بگیرد ویك فرد اصیل وشریفی مثل ایشان ازش سلب صلاحیت بشود راجع به قسمت سواد وخط که فرمودند (طباطبائی - خطش خوب است) اگر محرمانه باشد بنده

عرض میکنم که خط ایشان از خط آقای فرخ خیلی بهتر است واگر هم میخواهند امتحان کنند. (خندهٔ نمایندگان)

جمعی از نمایندگان ـ مذاکرات کافی است. رأی

رئیس ـ برای رأی اکثریت نیست آقای حکمت بفرمائید

حکمت ـ همکاران بنده میدانند در مملکت مشروطه و حکومت ملی مجلس شورای ملی بمنزلهٔ قلب در بدن است اگر قلب کارش منظم نباشد درتمام اعضای بدن اختلال حاصل میشود همینطور اگر کار مجلس شورای ملی منظم نباشدامور ازجاده خودش منحرف میشود....

رئیس ـ توجه بفرمائید آقایان!

حکمت ـ دراول هردورهٔ اجلاسیه اولین وظیفه وجدانی که نمایندگان ملت باآن مواجه میشوند رسیدگی باعتبار نامه ها وقضاوت عادلانه دربارهٔ نمایندگان است. طبقه مردم مخصوصاً دراین دورهٔ چهاردهم انتظار داشتند که این قضاوت عادلانه بعمل بیاید بنده با کمال تأسف میخواهم عرض کنم که این قضاوت عادلانه بعمل نیامد اگر مجلس شورای ملی یك قضاوت منصفانه میکرد هیچوقت امثال محیط ها بخیال نمیافتادند که بروند دریك نقاطی و کالت را غصب کنند وشاید یك وقایعی که دربلوچستان اتفاق افتاده است اتفاق نمیافتاد و شاید یك بیچارهٔ هم که از بین رفته است ازبین نمیرفت در این مجلس باشخاصی که فاقد اعتبار نامه بودند رأی داده شد همینطور اشخاصی که معروفیت محلی نداشتند و مردم آنهارا نمیشناختند بآنها رأی داده شد و باشخاصی که اکثریت انجمن نظارت رأی به بطلان انتخابات یك محلی داده بود و شش نفرشان بمرکز آمده بودند و بمجلس شورایملی دادخواهی کردند اعتبارنامهٔ آن شخص هم مورد قبول واقع شد. بنده بآقای شریعت زاده معتقدم وایشان واقعاً یك وکیل مبرزی هستندولی صدای ایشان درفضای مجلس منعکس است که باآن بیان فصیح راجع بسوء جریان انتخابات بابل حوزهٔ انتخابیهٔ خودشان ومداخله ژاندارمری ودستبرد آراء داد سخن رادادندولی دیگر دورازانصاف بودبا اعتبارنامه‌های نمایندگان تبریز خودشان اظهار مخالفت کنند آخر ما که نباید واعظ غیر متعظ باشیم. آقای فرخ فرمودند بایستی اصول را رعایت کرد البته مجلس شورای ملی وقتی مورد علاقهٔ مردم است که مظهر ارادهٔ ملت باشد اینجا باز بنده با کمال تأسف عرض میکنم که در اولین روز جلسه مجلس بنده هنوز غایب بودم ۷۰ تا اعتبارنامه تصویب شد ولی الآن که شش ماه از دورهٔ مجلس میگذرد یك عده اشخاصی که بعنوان نمایندگی اینجا آمده‌اند همینطور روی زمین کشیده میشوند وسرگردان هستند بنده آقای دکتر مجتهدی را نمیشناسم وبا ایشان متکلم هم نشده‌ام همینطور با آقای تیموری تا بحال متکلم نشده ام آخر باید اصول و مصلحت مجلس شورای ملی رعایت شود اینکه فرمودند آقای فرخ که ایشان سواد ندارند...

فاطمی ـ سواد دارند آقا.

حکمت ـ بنده از اشخاصی هستم که تا اندازهٔ ازقوانین اساسی اطلاع دارم بعضی از رفقای بنده گفتند که ایشان سواد کامل دارندروزنامه دادندبایشان قرائت کردند این ایراد آقای فرخ وارد نیست اما چیزدیگری که آقای فرخ فرمودند که ایشان ۱۸ ساله بوده اند و مریض شدند طبیبی آوردند و او را کشتند این معقول و منطقی نیست که یکی اولادش مریض بشود و طبیب را با مخارجی بیاورد و او را بکشد پس این مطالب را بایشان بی اساس گفته‌اندوخواستم از موقع استفاده بکنم که این دوسه نفر نمایندگان که باقی مانده‌اند اعتبارنامه‌شان مورد توجه قرار بگیرد و در جلسه بعد مجلس شورای ملی تکلیف آنها را هم معین کند.

جمعی ازنمایندگان ـ کافی است. رأی بگیرید.

رئیس ـ بسیار خوب کافی است که کافی است. آقای فرخ پیشنهادی کرده اند که خوانده میشود ورأی گرفته میشود (بشرح زیر قرائت شد) اینجانب تقاضا میکنم عدهٔ بنام کمیسیون معین شده آقای عباس تیموری را امتحان نموده معلوم نمایند طبق قانون سواد فارسی بقدر کفایت دارد و گزارش آن به‌مجلس عرض شود و بعدنسبت بنمایندگی ایشان اخذ رأی شود.

رئیس ـ پیشنهاد دهنده نیست که توضیح بدهد

طباطبائی ـ پس مسکوت میماند.

فاطمی ـ اجازه بفرمائیداینجا چون یك موضوعی پیش آمد ممکن است ایجاد سوء تفاهم بکند آقای تیموری سواد دارندسواد خارجی که کاملاً دارندسواد فارسی راهم که فرمودند صبح یکعده از آقایان روزنامه بایشان دادند خواندند و یك سطر هم نوشتند این هم خطشان است که اینجا مینویسند اینجانب تیموری فوالعاده متأسفم که آقای فرخ من غیرحق بااعتبارنامهٔ من مخالفت فرموده اند و بسیار هم خوب نوشته‌اند

رئیس ـ بنابر این گمان میکنم این کمیسیون موضوعی نداشته باشد حالا اگر مجلس موافق است رأی باین پیشنهاد بگیریم.

جمعی از نمایندگان ـ خیر نمیخواهد خود پیشنهاد دهنده هم که حضور ندارد. رأی باعتبار نامه بگیرید.

ملك مدنی ـ چون آقای فرخ نیستند که در باب پیشنهاد شان توضیح بدهند رأی به پیشنهاد موضوع ندارد (صحیح است)

رئیس ـ بسیار خوب رأی میگیریم باعتبار نامهٔ آقای تیموری آقایانی که موافقند بر خیزند (اکثر بر خاستند) تصویب شد.

اعتبارنامهٔ آقای ذکائی نمایندهٔ خلخال مطرح است آقای امینی بفرمائید (گزارش شعبه‌دوم مربوط بانتخابات خلخال را آقای امینی مخبر شعبه بشرح زیر قرائت نمودند)

انجمن نظارت مرکزی خلخال روز ۲۲/۵/۲۲ تشکیل و پس از اجرای مراسم انتخاب هیئت عامله وتعیین حوزه‌های فرعی در روز اول شهریور در تمام حوزه‌ها شروع باخذرأی شده و تا روز ششم ادامه داشت.

در این موقع طبق دستور استانداری توقیف جریان انتخابات از طرف بخشداری خلخال بانجمن ابلاغ میشود شعبه فرعی صندوقها را لاك و مهر کرده و تحت حفاظت مأموران ژاندارمری بانجمن مرکزی تحویل میدهد. توقیف انتخابات قریب هشت ماه طول می کشد وبالاخره در تاریخ یکم اردیبهشت ماه ۱۳۲۳ مجدداً انجمن بکار خود ادامه میدهد و روز چهاردهم اردیبهشت خاتمه اخذ رأی اعلام میشود.

درنتیجه استخراج آراء آقای سیدحمدالله ذکائی با کثریت ۱۰۲۷۲ رأی از ۱۰۸۹۷ رأی دهندگان بنمایندگی برای مجلس شورای ملی منتخب گردید.

کلیه اعتراضات واصله بانجمن مرکزی وبه مجلس شورای ملی در موعد مقرر قانونی مربوط بصلاحیت شخص منتخب وشروع جریان انتخابات قبل ازوصول اجازه وزارت کشور واعتراض بصلاحیت اعضاء انجمن ومداخله مقامات دولتی و تطمیع رأی دهندگان ودست برد بصندوق رأی ازجمله شکایات بدون مدرکی بوده است که از طرف گروهی از مخالفان و اشخاص ذینفع در کار انتخابات خلخال بجریان گذارده شده است دقت شعبه دوم ومطالعه مدارك موجوده درپرونده دلیل اثبات این مدعی است شعبه دوم پس از رسیدگی و مطالعه کامل و بدست آوردن مدارك کافی براله منتخب جریان انتخاب آقای سیدحمدالله ذکائی را با کثریت صحیح دانسته اینك گزارش آن برای تصویب بمجلس شورای ملی تقدیم می گردد.

رئیس ـ مخالفی نیست؟ (گفته شد ـ خیر) بسیار خوب اگر مخالفی نیست رأی گرفته میشود باعتبارنامهٔ آقای ذکائی آقایانیکه موافقند قیام کنند (اغلب بر خاستند) تصویب شد پیشنهادهائی رسیده است راجع بدستور آقای دکتر مصدق پیشنهاد میکنند....

شریعت‌زاده ـ بنده اخطار نظامنامهٔ دارم.

رئیس ـ بفرمائید

شریعت‌زاده ـ یکی راجع باجازهٔ بوده است که بآقای حکمت داده شده است چون دو نفر موافق نمیتوانند پشت سر هم صحبت کنند زیرا بعد از آنکه آقای مخبر اظهار موافقت کردند مجوزی برای اظهارات ایشان نبود برای اینکه صریح نظامنامه این است که بعد از موافق مخالف صحبت کند توضیح دیگری که دارم راجع است به‌بیان آقای حکمت که گفتند مخالفت من با اعتبارنامهٔ بعضی از نمایندگان آذربایجان یا عملیات نمایندگان نسبت به‌بعضی صحیح نبوده

است بنده این رویه را مخالف اصول میدانم وقتی که مجلس یك مخالفتی را استماع کرد و تصمیم گرفت معنی ندارد که تجدید شود .

حکمت ـ اجازه میفرمائید ؟

رئیس ـ موضوع مطرح نیست یك چیزی گفته شد و تمام شد عرض کنم که آقای دکتر مصدق پیشنهاد میکنند که لایحهٔ مازاد غله طرح شود .

فاطمی ـ با پیشنهاد آقای دکتر مصدق موافق هستم ولی این موضوع یك نقیصه دارد که فردا عصری ساعت ۵ قرار است تمام بشود آقای دکتر مصدق موافقت بفرمایند که باشد برای پنجشنبه اگر تا فردا عصر تمام نشد پس فردا مطرح شود .

دکتر مصدق ـ موافقت میکنم

رئیس ـ بعضی طرح‌ها هم پیشنهاد کرده‌اند دو فقره طرح است یکی مال آقای دولت آبادی یکی مال آقای دکتر شفق

[۸ ـ شور در گزارش کمیسیون بهداری راجع بلایحه سازمان بهداری]

بعضی از نمایندگان ـ لایحه وزارت بهداری مطرح شود

رئیس ـ اگر موافقت بفرمائید لایحهٔ وزارت بهداری مطرح شود آقای اردلان .

اردلان ـ گزارش کمیسیون بهداری را بخوانید در مجلس لایحه آمد مطرح شد یك پیشنهادهائی داده شد بکمیسیون بهداری بنده هم عضو کمیسیون بهداری هستم در آنجا هم ما پیشنهادها را با حضور آقای وزیر بهداری دانه دانه مطالعه کردیم آقای دکتر کشاورز مخبر کمیسیون هم یك گزارشی داده‌اند که چاپ شده است اجازه بفرمائید آنرا بخوانند و بعد مطرح شود .

رئیس ـ آقای دکتر کشاورز بفرمائید .

دکتر کشاورز ـ چون بنده قطعاً نمیدانستم که امروز مطرح خواهد شد در کیفم ندارم خواهش میکنم یك ورقه بمن بدهید بخوانم

یکی از نمایندگان ـ گزارش کمیسیون را بایستی منشی بخواند

دکتر کشاورز ـ بمن گفتند بخوان نمیخواهید نمیخوانم

(گزارش کمیسیون بهداری بشرح زیر قرائت شد)

گزارش کمیسیون بهداری به مجلس شورای ملی

کمیسیون بهداری پیشنهادهای آقایان نمایندگان محترم را راجع باجازهٔ اجرای قانون سازمان وزارت بهداری پس از تصویب کمیسیون بهداری باحضور آقای وزیر بهداری و آقای بیات وزیر مشاور مورد بحث قرار داده بالاخره بترتیب زیر اصلاح و اینك گزارش آن برای تصویب تقدیم میشود .

ماده واحده ـ مجلس شورای ملی بوزارت بهداری اجازه میدهد که لایحه سازمان وزارت بهداری را پس از تصویب کمیسیون بهداری مجلس بموقع اجرا گذاشته بعد از دوسال آزمایش برای تصویب قطعی بمجلس شورای ملی پیشنهاد کند .

تبصره ۱ وزارت بهداری مجاز است اعتبارات حقوق و هزینه‌های بودجهٔ خود را با سازمان جدید وزارت بهداری در حدود اعتبارات مصوبه تطبیق کند .

تبصرهٔ ۲ بنگاه کل داروئی کشور با امکنهٔ فعلی آن که دراختیار بنگاه داروئی است منضم بوزارت بهداری شده ودر تحت نظر مستقیم و کامل وزارت بهداری اداره خواهد شد .

رئیس ـ آقای امینی

امینی ـ عرض کنم که بنده اعتراضی باین لایحه ندارم ولی درجلسات گذشته که مطرح بود پیشنهادی کرده بودم که خیلی میل دارم که آن پیشنهاد طرف توجه آقای وزیر بهداری و آقایانیکه در کمیسیون عضویت دارند قرار بگیرد و آن این است که بیمارستانهائی که در شهرستانها بخرج اهالی خیر و بخرج انجمن های خیریه تأسیس شده است و پس ازمدتی تحویل وزارت بهداری شده است وحالا بصورت بدی در آمده است و بلکه درش بسته شده است یعنی یا بودجهٔ کافی ندارند و اگر هم دارند بمصرف اشخاص پشت میز نشین یعنی اعضای بیکاره میرسد که مثل بسته شده است از آن جمله است بیمارستان پورسینای رشت که در ۱۵ سال قبل اینجا واقعاً بیك طرزی مثل دسته گل بدست

اهالی اداره میشد و بعد که تحویل بوزارت بهداری شده بصورت خیلی بدی در آمده است و امروزه به کلی تعطیل است بنده استدعا میکنم از آقای وزیر بهداری که بکلی مراقبت بفرمایند که کلیه بیمارستانهائی که بخرج اهالی تأسیس شده است وبعد بوزارت بهداری واگذار شده است و وزارت بهداری نتوانسته است اداره کند بابودجهٔ فعلی تحویل خود آنها بشود و دولت در حدود بودجه نظارت کامل میکند و حتی نظارت مالی هم داشته باشد ولی ادارهٔ بیمارستان بدست اهالی خیّر یا انجمن خیریهٔ شهرستان باشد که آن مقدار اضافی هم که خرج میکنند آنجا بدانند برای چه مصرفی خرج میشود . مخارج بهداری هر شهرستانی برای صدای نعلین در آنجا مصرف نشود این قسمت را خواهش میکنم در نظر بگیرند . . . . . .

بعضی از نمایندگان ـ عده کافی نیست .

امینی ـ عرض بنده تمام شد (بعد ازچند لحظه اکثریت حاصل شد)

رئیس ـ آقای ملك مدنی

ملك مدنی ـ بنده با نظر آقای امینی مخالف نیستم اما میخواستم عرض کنم که این نظری را که بیان کردند البته ممکن است در رشت اینطور باشد که فرمودند اما بعضی جاها هست که بیمارستان هائی تأسیس شده و خود مؤسسین مایلند که تحت نظر وزارت بهداری و با بودجهٔ وزارت بهداری اداره شود .

امینی ـ با بودجهٔ فعلی عرض کردم

ملك مدنی ـ بله بابودجهٔ فعلی که بهشان بدهند و کسر بودجه را خودشان تأمین کنند البته اشکالی ندارد

رئیس ـ مقصود ازموافق ومخالف، موافق و مخالف با گزارش کمیسیون است این است که بنده باید بپرسم اگر مخالفی بود بعداً بموافق باید اجازه داده شود . آقای دکتر طاهری .

دکتر طاهری ـ موافقم .

رئیس ـ آقای اردلان .

اردلان ـ موافقم

بعضی از نمایندگان ـ مخالفی نیست .

دکتر طاهری ـ چون مخالفی نیست مجلس هم موافقت میکند که مذاکرات کافی باشد اگر کسی پیشنهادی دارد می کند .

رئیس ـ مخالفی نیست ؟ (گفته شد ـ خیر)

دکتر کشاورز ـ چون آقای امینی راجع بواگذار کردن بیمارستانهای شهرستانها بانجمنهای خیریه یاانجمن شهرداری مذاکره کردند بنده خواستم یك توضیحی بدهم و یك نظر کلی را عرض کنم این نظر آقای امینی صحیح است ولی در ایران فعلاً میسر نیست برای بیمارستانها فعلاً فرقی نمیکند که تحت نظر وزارت بهداری باشد یا تحت نظر انجمن شهرداری باشد چون که طرز عملشان معلوم است یعنی طرز کار کردنشان در شهر باعث رضایت نیست از این نظر بنده خیال میکنم که بیمارستانها اگر تحت نظر وزارت بهداری باقی بماند بهتر است البته وقتیکه انجمنهای ایالتی و ولایتی بتمام معنی تشکیل بشود در آن موقع باید تمام امور شهر بخصوص بهداری شهر و بیمارستانها در تحت نظر انجمن های ایالتی و ولایتی قرار بگیرند در آنموقع بنده صد در صد با نظر آقای امینی موافقم ولی حالا عملی نیست .

رئیس ـ هفت هشت نفر از آقایان اجازه خواسته‌اند آقای آقا سید ضیاءالدین

سیدضیاءالدین طباطبائی ـ بنده با نظر آقای امینی موافق هستم برای اینکه یکی از مقدمات اداره حکومت ملی شرکت دادن مردم درامور مملکت است و هیچ منافاتی نخواهد داشت که وزارتخانه های مربوطه وظایف خودشان را انجام دهند ونظریات خودشان را عملی کنند مردم هم شرکت داشته باشند . مثلاً اگر شهر طهران را تقسیم کنیم به بیست ناحیه در هرناحیه یك کمیسیون بهداشت از خود مردم تشکیل بشود . لازم نیست تمام اعضاء این کمیسیون از اطباء باشند ۳ نفر غیر طبیب از معتمدین محل و دو نفرهم ممکن است طبیب باشند این کمیسیون در آن ناحیه اول

کاری که میتواند بکند این است که احتیاجات و انتظارات مردم را بعرض هیئت اداره و نمایندهٔ بهداشت انجمن شهرداری یا بهداری وغیره برساند وقتیکه مردم شرکت کردند بدبختی هموطنان خودشانرا دیدند میتوانند اعانه جمع کنند کمك کنند میتوانند اطمینان داشته باشند که درامور مریضخانه و دوائر صحی دزدی نمیشود زیرا حق نظارت دارند بنابراین هراندازه درشرکت مردم در اموری که مربوط بمردم است فرصت بدهیم بعقیدهٔ بنده موجبات موفقیت آن کار است و درعینحال شرایط تشکیل حکومت ملی را فراهم میکنند در انگلستان تمام مریضخانه ها را مردم اداره میکنند دولت یعنی اداره صحیه فقط نظارت دارد وزارت بهداری را اول کسی که در این مملکت تأسیس کرد بنده بودم پیش از آن اسم بهداشت در ایران نبود .

دکتر کشاورز ـ شما درخیلی کارها اول بودید

سیدضیاء ـ کاش شما در یك کار اول بودید

دکتر کشاورز ـ هستم

سیدضیاء ـ در یك کار هستید . بله . بنده از آقای امینی خواهش میکنم یك پیشنهادی دراین موضوع بکنند نه فقط در مریضخانه هائی که با پول مردم با شرکت مردم تأسیس میشود هیچ مانعی نمی‌بینم درمریضخانه هائی که باپول دولت و در تحت نظر مستقیم دولت است یکعده از همین مردم خیّر شرکت و نظارت در امور مریضخانه داشته باشند . نظارت و مراقبت غیر از مداخله است بنا بر این بنده با این پیشنهاد کاملاً همراه هستم نه فقط در مریضخانه رشت و مریضخانه طهران بلکه در هرمریضخانه که در ایران هست اگر یك کمیسیونی تشکیل شود ومراقبت ونظارت کنند نه فقط مانعی نمی‌بینیم بلکه یك فوایدی هم دارد .

جمعی از نمایندگان ـ مذاکرات کافی است

رئیس ـ اگر مذاکرات کافی است رأی بگیریم

وزیر مشاور (آقای بیات) ـ در این قسمتی که آقا اظهار فرمودند البته نظر دولت همیشه همین بوده است که بایستی امور محلی هر شهر و هر قسمتی را با نظر اهالی همان محل انجام بدهد وروی همین نظر هم یك قانون تشکیلاتی نوشته شده است برای کشور و همین چند روزه تقدیم میشود و همین قسمتی را که اظهار فرمودند در آن قانون پیش‌بینی شده است بنابراین البته این نظری که میفرمائید بایستی بر یك مبنائی باشد (سید ضیاءالدین ـ صحیح است) و الا اگر همینطور بخواهیم اداره کردن یك مریضخانه یا یك موسساتی را بگردن یك هیئت یا یك کمیسیونی بگذاریم البته اسباب تنظیم اینکار فراهم نخواهد شد ولی بطور اصول البته این نظر صحیح است و اهالی هر محلی را باید در کارهای حوزهٔ خودشان مدخلیت داد روی همین اصل همانطور که عرض کردم در قانونی که تهیه شده و همین چند روزه تقدیم مجلس شورای ملی خواهد شد پیش بینی شده وملحوظ شده که امور بهداری و سایر قسمتهائی که تحت نظر خود اهالی بهتر اداره میشود تحت نظر و مراقبت اهالی هر محل قرار بگیرد در آن قانون همهٔ اینها ملاحظه شده است بنابراین بنده میخواهم تقاضا کنم که یك مورد بخصوص یا یك مریضخانهٔ مخصوصی را فعلاً آقایان در نظر نگیرند تا ترتیب کاملی باینکار داده شود و الا یك مریضخانه ای را که یك مقداری از بودجه‌اش را الآن دولت میدهد و یك مقدار را هم مردم میدهند این را نمیشود بدون این که ترتیب صحیحی برای آن داد بمردم واگذاشت شاید حالا البته مقتضی نباشد آقای وزیر بهداری هم البته توجه مخصوصی دارند همانطور که ملاحظه فرمودید لایحه سازمانی را برای وزارت بهداری به مجلس آورده اند که قسمت هائی را که در نظر گرفته‌اند مطابق آن لایحه تأمین کنند و البته وضعیت بهداری وبیمارستانها را بیشتر مراعات خواهند کرد که خوب اداره شود و آن قانون هم که آمد به مجلس ترتیب اساسی باینکار ها داده خواهد شد که اهالی هر محلی بتوانند نظارت کامل دراموری که مربوط به حوزهٔ خودشان است داشته باشند و این را اگر توجه بفرمائید که روی یك پایه و اساس کلی انجام شود بهتر است که در یك قانون دیگری یك چیزی نوشته شود که بعداً بیشتر اسباب اشکال فراهم شود .

رئیس ـ عده‌ای از آقایان اجازه خواسته‌اند و بعضی از نظر داشتند که مذاکرات کافی است و تکلیف آن معلوم نشد

فعلاً اگر آقایان میخواهند مذاکره کنند اجازه داده شود؟ (بعضی از نمایندگان ـ مانعی ندارد اجازه داده شود) آقای دکتر معاون .

دکتر معاون ـ تصور میکنم آقایان در یك موضوعی اشتباه میفرمایند که وزارت بهداری برای خوب دائر نگهداشتن مریضخانه ها است و وزارت بهداری باید مریضخانه های خوب داشته باشد در صورتیکه وزارت بهداری اگر درست عمل کنند نبایستی یك مریضخانه هم داشته باشد مملکتی که بهداریش خوب کار میکند مملکتی است که بیمارستان ندارد بنابراین کار وزارت بهداری این نیست که بیاید مریضخانه اداره کند بطوریکه ما در نظر گرفته‌ایم وزارت بهداری را میشود به سه قسمت تقسیم کرد یك قسمت که در حقیقت کار خودش است عبارت است ازجلو گیری ازامراض فرض بفرمائید لوله کشی شهر طهران یا خشك کردن فلان باطلاق این کار اساسی وزارت بهداری است که باید صدی شصت بودجه‌اش را صرف اینکارها بکند ولی چون فعلاً موفقیت پیدا نمیکند مجبور است مأمورینی هم برای امورصحی داشته باشد و یك قسمت کوچك بودجه اش هم البته باید صرف امور اداراتش بشود آقایان هم توقع دارند که یك قسمتی از بودجهٔ وزارت بهداری برای خوش آیند (خیلی معذرت میخواهم) برای خوش آیند صرف موکلینشان بشود ولی این وزارت بهداری نمیشود اگر وزارت بهداری حسابی میخواهند باید وزارت بهداری کارهای خودش را بکند و آقایان هم اقدام بفرمایند ومردم واشخاصی که میتوانند باید اقدام کنند که مؤسسات خیریه تشکیل شود و بیمارستانهائی را تأسیس کنند وزارت بهداری هم کمك خواهد کرد و منظور آقایان بیشتر از این راه تأمین میشود که اول وزارت بهداری کارهای اساسی خودش را بکند و جلو گیری کند از بروز امراض یعنی آنقدر که میتواند لوله کشی آب شهرها را بکند ازشیوع مالاریا جلو گیری کند باید قرنطینه های حسابی داشته باشد که اگر امراضی به مملکت هجوم کرد جلوگیری شود صحی از جاهای دیگر به این جا سرایت نکند و کار ما هم این است که بیمارستانهائی تأسیس کنیم و از بیماران خودمان حمایت کنیم و آنها را معالجه کنیم .

رئیس ـ آقای دهستانی اخطار نظامنامه دارند . بفرمائید

دهستانی ـ البته آقای رئیس تکلیف خودشان را بهتر میدانند و البته بموقع اجازه خواهند داد که صحبت شود ولی باید مطالب طوری گفته شود که وقت مجلس را تلف نکنیم پیشنهادی آقای امینی دادند ...

امینی ـ من پیشنهاد ندادم.

دهستانی ـ آقای مخبر هم دفاع کردند بدون اینکه پیشنهاد مطرح شود بنده خواهش میکنم پیشنهادات را قرائت کنند و مذاکره شود و به پیشنهادات رأی گرفته شود که کار تمام شود ...

امینی ـ بنده پیشنهادی ندادم یك تذکری بعنوان مخالفت دادم پیشنهادی در بین نبود.

رئیس ـ هر وقت که مذاکرات کافی شد پیشنهادات خوانده میشود ـ آقای آقاسید ضیاءالدین توضیحی دارند ؟

سیدضیاءالدین ـ فعلاً عرضی ندارم .

نراقی ـ مذاکرات کافی است پیشنهادات خوانده شود .

رئیس ـ برفرض که پیشنهادات را هم بخوانیم چون عده برای رأی کافی نیست رأی نمیتوانیم بگیریم. آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی ـ بنده عرض زیادی ندارم همینقدر بطور مختصر میخواستم عرض کنم که وزارت بهداری مدتها بود صورت خوشی بخودش نگرفته بود برای اینکه هرچندوقت یکمرتبه یك وزیری تغییر میکرد و حالا چندی است یك وزیری که علاقمند بصحت مردم است و در بند مادیات چندان نیست وزیری بهداری شده است و عمل خودش را هم در اینمدت نشان داده است باید با او موافقت شود و همراهی شود بلکه این یك وزارتخانه وزارتخانهٔ صحیحی بشود ومثل سابق نباشد که مقدار زیادی دوا داشتند و بردند وفروختند ومیگفتند بهداری دوا ندارد ولی حالا که ایشان آمده اند امیدواریم صورت خوبی بهداری ما پیدا کند و بنده از آقایان تقاضا دارم که باپیشنهاداتی که کرده‌اند همراهی شود بلکه تااندازه‌ای صحت مردم تامین شود .

رئیس ـ آقای آقاسیدضیاالدین فرمایشی دارند ؟ بفرمائید

سید ضیاءالدین ـ چون عده برای رأی کافی نیست توضیحات آقای وزیر مشاور بنده را مجبور کرد یك عرایضی عرض کنم . از نقطه نظر بنده فرق نمیکند که این صحبت هائی که شد در ضمن یك لایحهٔ قانونی که بعد به مجلس شورای ملی تقدیم میشود گنجانده شود یا بصورت دیگری تقدیم مجلس شورای ملی شود ولی با معرفتی که به جریان امور مملکتی و وزارتخانه‌ها دارم و با بطئ که در تمام وظایف اجتماعی ما محسوس است اگر این موضوع را بتعویق بیندازیم باز ممکن است که یك مدت غیر معینی این استفادهٔ که از وضع این قانون ممکن است بشود نشود . در یکسال و نیم پیش یکنفر از تجار تهران باخرج خودش در یکی ازدهات شهریار صدوبیست هزارتومان خرج کرد و یك مریضخانهٔ ساخت و این مریضخانه را ساخت بشرط اینکه پس ازساختن دولت بیاید این جا را اداره کند این مریضخانه را در قریه علیشاه عوض ساخته است و مطابق قرار دادی که بین وزارتخانه و این تاجر شده بود پس از ساخته شدن مریضخانه دولت باید آنرا اداره کند مریضخانه تمام شد ولی دولت گفت نمیتوانم اداره کنم زیرا اثاثیه ندارم وباید بودجه اش هم تأمین شود دوماه قبل بنده رفتم این مریضخانه را دیدم بیك حالت اسف انگیزی افتاده شیشه هایش را شکسته اند و اسبابهایش را برده‌اند حالا اگر در همان روزی که وزارت بهداری با این تاجر این قرارداد را کرد یك کمیسیونی هم درهمانموقع ازمردم تشکیل داده بود که تأسیس واداره این مریضخانه درنظر آن کمیسیون باشد شاید خود آن کمیسیون از مردم اشخاصی را پیدا میکرد ویك اعانه هائی را جمع آوری میکردند وشاید میتوانستند در شهریار که بیش از سایر نقاط اطراف طهران احتیاج به مریضخانه دارد یك سروصورتی باین مریضخانه بدهندوزارت بهداری و انجمن شهر نمیتواند تشخیص بدهد در کدام یك از کوچه های طهران دواخانه لازم است وچند دواخانه لازم است اگر همانطور که عرض کردم فرض کنیم (فرض محال هم محال نیست) شهرطهران ازنظر بهداشت به بیست منطقه تقسیم شود ودرهر منطقه فرض کنیم یك کمیسیونی باشد از مردم وخود این مردم احتیاجات اهالی را تشخیص بدهند و باداره بهداشت طهران یابه وزارت بهداری عرضه بدارند اقل نتیجه اش این خواهد بود که دولت یاوزارت بهداری یا ادارهٔ بهداشت ازاحتیاجات فلان ناحیه اطلاع پیدا خواهد کرد. عرض کردم شرکت مردم اولین قدم پیشرفت حکومت دمکراسی است و بنده هیچ مانعی نمی‌بینم که در تشکیل این کمیسیون ها بطور کلی دولت موافقت بفرمایند وفقط وظیفهٔ این کمیسیونها را وظیفهٔ مشاوره و وظیفهٔ نظارت دریك جریانهای محدودی قرار بدهند بدون اینکه قوهٔ مجریه وقوهٔ تکلیفیه داشته باشند اگر امروزدرموقع تصویب قانون وزارت بهداشت بطوریکه عرض کردم (اگر آقای دکتر کشاورزاجازه بدهند) بنده وزارت بهداشت را ۲۴ سال پیش تأسیس کردم وامروزپس از ۲۴ سال قانونش به مجلس شورایملی آمده است امروزهم اگر بخواهید این قانون را تصویب بکنید شاید ۲۴ساعت یا ۲۴ روز یا ۲۴ سال دیگر آنطوریکه منظور آقایان است اجرا شود بنابراین اگر آقایان موافقت بفرمایند درلایحه قانونی دولت فقط اجازه داده شود که اگر مردم یك محلی یا اهل یك ناحیهٔ خواستند از معتمدین یا هیئتی تشکیل بدهند برای جمع آوری اعانه برای این مؤسسات و کمك باین مؤسسات دولت یا مأمورین دولت یا دکترها توی دهان این‌ها نزنند وآنها را ازمریضخانه ها بیرون نکنند (وزیر بهداری ـ هیچوقت مانعی نداشته) چرا برای اینکه آقای امینی میفرمایند مریضخانه ای را که مردم ساخته اند مردم اعانه جمع کرده اند وزارت بهداری اجازه نمیدهد که حالا مردم گیلان اعانه جمع کنند و این مریضخانه را اداره کنند بنده که نمیدانم ایشان میگویند .

(**بعضی از نمایندگان** ـ صحیح است) همین طوراست آقای امینی گفتند که مردم میخواهند اقدام کنند و دولت میگوید حق ندارید ودر تأیید اظهارات ایشان این عرایض را عرض کردم حالا آقایان مختارند .

رئیس ـ اجازه میفرمائید پیشنهادات خوانده شود و بکمیسیون مراجعه شود ؟

عده ازنمایندگان ـ خیرشوردوم است بایدپیشنهادات مطرح شود بیك فوریت لایحه رأی داده شد .

دکترطاهری ـ عده برای رأی کافی است اگر پیشنهادی رسیده است بخوانند .

رئیس ـ آقای وزیر بهداری فرمایشی دارند ؟

وزیر بهداری ـ آنچه که آقای سیدضیاءالدین راجع بکندی جریان کار فرمودند کندی جریان کار منحصر بیك وزارت بهداری نیست ومن خیلی متأسفم که عرض کنم که کندی جریان کار در جاهای دیگر خیلی بیشتر از وزارت بهداری است (صحیح است) وزارت بهداری مخصوصاً از روزی که بنده رفته‌ام کوشش میکند که کارهایش بتندی جریان پیدا کند ولی اگر چرخ بنده هم هم تند بچرخد وقتی سایر چرخها کند میچرخد نمیگذارد که این چرخها سرعتی که لازم است داشته باشد و این هم تقصیر من نیست . راجع ببیمارستان علیشاه عوض اشاره فرمودند که بحال بلا تکلیفی افتاده است بنده همین روزها آن شخصی را که مؤسس آنجا است خواستم کارهایش را اصلاح کردم و اثاثیه فرستادم و طبیب هم فرستادم و تاچند روز دیگر این بیمارستان افتتاح میشود (سید ضیاءالدین ـ یکسال و نیم بود معطل بود) تقصیر من نیست بنده هنوز چهار ماه هم نشده است که وزیر بهداری شده‌ام تقصیر دیگران که بر بنده وارد نیست فلان آقا مقصر است بنده که مقصر نیستم او یك کاری را کرده است راجع بامور شهرها هم معین است همانطور که فرمودند خیلی خوب است عمل شود ومردم رسیدگی کنند ولی چیزی که هست باید گذاشت یك شهرداریهای صحیحی تشکیل بشود و بایك ترتیب صحیحی این مریضخانه‌ها را بدهیم بدست آنها . . .

امینی ـ انجمن خیریه حاضر است این بیمارستان را اداره کند و انجمن خیریه از هرمؤسسه بی‌غرض‌تر است . .

وزیر بهداری ـ مگر تمام ایران منحصر بیك شهر است؟

امینی ـ شما یکیش را درست کنید .

وزیر بهداری ـ پول ندارند بودجه ندارند این بیمارستان در دست خودشان بود آوردند تقدیم کردند بوزارت بهداری گفتند کمك کنید پول بدهید نگاهدارید بودجه بدهید وزارت بهداری هم کمك کرد پول داد ، بودجه داد حالا که امروز این وضعیت پیش آمده است بازمیخواهند بگیرند و باز دومرتبه بگذارند سروزارت بهداری آنوقت دیگر وزارت بهداری بودجه ندارد بنده عرض میکنم بهداری آنچه ممکن بوده است کمك کرده است بازهم کمك خواهد کرد ولی اؤحق نباید گذشت وقتی که یك مؤسسه‌ای را نمیتوانند نگاهدارند میدهند بوزارت بهداری وقتی که وزارت بهداری اداره کرد ازش میگیرند میگویند وزارت بهداری نتوانست خوب اداره کند بمحض اینکه دوباره کار یکقدری مشکل میشود میگویند به وزارت بهداری بدهیم وباز هم میگویند وزارت بهداری نمیتواند خوب اداره کند . من باز موافقت میکنم که در کمیسیون مذاکره کنیم و آنطور که بتوانیم راه حلی برای اینکار پیدا کنیم .

دکتر کشاورز (مخبر کمیسیون بهداری) ـ راجع به فرمایشاتی که آقای امینی فرمودند بنده هم بنام کمیسیون عرض میکنم که در کمیسیون سعی میکنیم یك راه حلی برای اینکار پیدا کنیم .

رئیس ـ عرض کنم پیشنهاداتی رسیده است چون مذاکراتی که شد دنباله مذاکرات سابق است آقایان مذاکرات را کافی میدانند که پیشنهاد ها مطرح و بقابل توجه بودنش رأی بگیریم یا آنکه پیشنهادات بکمیسیون مراجعه شود ؟ آقای ملك مدنی فرمایشی دارید ؟

ملك مدنی ـ عرض کنم پیشنهادات دوباره بکمیسیون نمیرود برای اینکه مقام ریاست توجه پیدا کنند خواستم این تذکر را بدهم که این لایحه را بیك فوریتش رأی دادیم وحالا که مطرح شده است درحکم شور دوم است و باید پیشنهاد ها مطرح شود و رأی گرفته شود و آن دفعه که لایحه و پیشنهادات بکمیسیون ارجاع شد برای این بود که یك پیشنهاد قابل توجه شد و باسایر

پیشنهادات به کمیسیون رفت وحالا کمیسیون گزارش خودش را با در نظر گرفتن آن پیشنهادی که قابل توجه شد تقدیم کرده است و در مجلس باید تعیین تکلیف شود هر وقت عده کافی شد بایستی پیشنهادات مطرح شود ومذاکره شود و بعد رأی گرفته شود هر کدام مورد قبول مجلس واقع شد که شد هر کدام که رد شد رد شده است .

جمعی از نمایندگان ـ مذاکرات کافی است .

رئیس ـ پیشنهادات قرائت میشود .

پیشنهاد آقای دکتر معظمی :

پیشنهاد می کنم تبصره ۱ مادهٔ واحده بطریق ذیل اصلاح شود :

وزارت بهداری مجازاست اعتبارات حقوق و هزینه های بودجه خود را با سازمان جدید وزارت بهداری در حدود اعتبارات مصوبه با نظر وتصویب کمیسیون تطبیق کند .

رئیس ـ آقای دکتر معظمی

دکتر معظمی ـ بنده اینجا دو کلمه بیشتر اضافه نکردم (با تصویب و نظر کمیسیون) آقایان اطلاع دارند که در کمیسیون انتقال ازماده بماده ممنوع است برای این ترتیب ما آمده ایم وزارت بهداری را بدون نظر کمیسیون بحسابداری وزارت بهداری واگذار کردیم برای آینکه اگر اصلاحاتی در کمیسیون درنظر گرفته شده باشد یااینکه درولایات یك راههائی درنظر گرفته شده باشد بتوانند این است که بنده درخواست کردم که بانظر وتصویب کمیسیون باشد

دکتر کشاورز (مخبر کمیسیون بهداری) ـ قبول می کنیم .

رئیس ـ پیشنهاد دیگر آقای دکتر معظمی خوانده می شود :

پیشنهاد میکنم تبصره ۲ ماده واحده حذف شود

رئیس ـ آقای دکتر معظمی

دکتر معظمی ـ عرض کنم این تبصره را که بنده پیشنهاد حذفش را کردم نه برای این بود که چون قبلاً تصویب شده است چون یك تباینی بنظر بنده رسید و این تبصره هم در واقع نیت قانون گذار را کاملاً روشن میکند برای این که بعداً تولید اشکال نشود فعلاً حذف شود بعداً اگر مخبر کمیسیون بنده را قانع کرد پس میگیرم . راجع بتأسیس بنگاه داروئی در ۱۸ اسفند/۱۳۲۱ یك قانونی گذشته است ماده دوم آنرا بنده میخوانم که مینویسد :

(وزارت بهداری مجاز است مبلغ ده میلیون ریال وام ازبانك ملی ایران گرفته وسرمایه این بنگاه قراردهد و علاوه بر آن داروهای موجود دولت هم جزء سرمایه این بنگاه خواهد بود طرزاداره نمودن این بنگاه مطابق اصول بازرگانی بوده وبرای اداره نمودن آن هیئت مدیره مرکب ازنمایندگان وزارت دارائی ووزارت بهداری خواهد بود .)

در اینجا در واقع یك شرکتی تشکیل شده است مابین وزارت دارائی و وزارت بهداری مقصود از این چیست؟ آیا آنرا میخواهند ازصورت بازرگانی بیرون بیاورند و بصورت اداری دربیاورند مخصوصاً که اینجا مینویسد بنگاه داروئی با آنچه که در اختیار دارد و اصولاً وقتیکه سازمان وزارت بهداری را در نظر بگیرید می بینیم بنگاه داروئی هم تحت نظراوخواهد بود ویك قسمت عمده کار بنگاه داروئی تماس با وزارت بهداری دارد و از لحاظ قانونگزاری هم یك عمل لغوی است اگر مجزا شود با آنکه خیلی از کارهای بنگاه داروئی تحت اختیار وزارت بهداری خواهد بود بدینجهت بنده تقاضا دارم به بینید درواقع بچه نحوی میخواهند این بنگاه را اداره کنند آیا اگر اینطور است که حالا اداره میشود که هیچ اگر طوردیگر میخواهند اداره بکنندروشن شود که بعد اسباب اشکال نشود

دکتر کشاورز ـ اصولاً بنگاه داروئی کل کشور میبایستی تحت نظروزارت بهداری باشد اولاً طرز تقسیم دواها ثانیاً طرز اداره کردن دواها را هیچ وزارتخانه غیر از وزارت بهداری نمیتواند اداره نماید ازطرف دیگر بنگاه کل داروئی کشور تابحال نتوانسته است احتیاجات مردم را چنانکه باید وشاید رفع کند یعنی تمام فعالیت بنگاه کل داروئی کشور عبارتست ازتأسیس چنددواخانه که آندواخانه هاهم نشسته اند

نسخه هائیکه بهش مراجعه میشود بعنوان اینکه ما نداریم درعین حال اینکه دوا در انبار موجود است نسخه های مردم را رد میکنند (صحیح است) ویکعده زیادی از مردم فقیر مراجعه میکنند باین دواخانه ها و آن دواها بهشان داده نمیشود مردم همان دوارا باهمان مارك در دواخانه های خارج و در بازار آزاد ۶ برابر میخرند یکی از مضارهایش این است که یك سرمی که سرم گلوکز یعنی قند باآب محلول را به بچهای یکساله که اسهال گرفته باشند آمپولش را بایستی روزی سه دانه بمریض تزریق کنند چون ازدواهای اختصاصی بنگاه داروئی کل کشور است در خارج ۲۵ تومان فروخته میشود و وقتیکه اشخاص مراجعه میکنند بداروخانه بنگاه داروئی چون باید ٤ تومان فروخته شود بمریضها داده نمیشود از این نظر اگر این بنگاه تحت نظر وزارت بهداری قرار گیرد قطعاً دروزارت بهداری که بعداً تشکیلاتی داده خواهد شد این عمل خوب انجام خواهد گرفت مخصوصاً که در رأس وزارت بهداری شخصی مانند آقای دکتر لقمان الملك قرار گرفته قطعاً خوب انجام خواهد گرفت مخصوصاً ایشان برای کارهای اداری وغیره از قبیل سر موقع آمدن و کارهای مربوط بپول وحساب وچیز های دیگر (ببخشید) یك وسواس بخصوصی دارند از این نظر بنده تقاضا میکنم که پیشنهاد کننده پیشنهاد خودش را پس بگیرد واین تبصره تصویب شود و بمناسبت اینکه فعلاً مکان وزارت بهداری گنجایش گذاشتن این بنگاه را ندارد اجازه بدهند که فعلاً بنگاه از این محل استفاده بکند و بعد از جنگ وزارت بهداری یك محلی برایش تعیین خواهد کرد

رئیس ـ آقای دکتر معظمی

دکتر معظمی ـ عرض کنم بنده پیشنهادی که کردم نه برای تصدیق بود ونه برای تکذیب بنگاه داروئی بلکه این پیشنهاد فقط از نظر عمل قانون گزاری بوده که تحت نظر وزارت بهداری باشد و مطابق قانون آن جا بطریق بازرگانی اداره شود با این ترتیب بعقیده بنده از این تبصره هیچ استفاده ای وزارت بهداری نمیتواند بکند وغیرازاینکه یك اشکالی را ایجاد بکند هیچ فایده ای مترتب نخواهد بود از این جهت بنده پیشنهاد خودم را پس نمیگیرم .

رئیس ـ آقای وزیر بهداری .

وزیر بهداری ـ نظر آقای دکتر معظمی صحیح است وزارت بهداری هم در نظر ندارد که این مؤسسه را بیاورد یك مؤسسه اداری بکند بلکه باهمان نظر بازرگانی اداره خواهد کرد تحت نظر یك هیئت مدیره ممکن است این را آقایان پیشنهاد کرده باشند در هرحال منظور این نیست که ازآن وضعیت سابقش خارج شود بلکه بطور بازرگانی اداره خواهد شد و تحت نظر یك هیئتی بوده باشد .

رئیس ـ آقای آقاسید ضیاءالدین .

دکتر کشاورز ـ ایشان نمیتوانند صحبت بکنند چون کسیکه درپیشنهاد حرف میزند باید عضو کمیسیون باشد .

اردلان ـ بنده عضو کمیسیون هستم .

رئیس ـ بفرمائید .

اردلان ـ عرض کنم لایحه سازمان وزارت بهداری که در شور اول در مجلس مطرح بود یك پیشنهادی آقای دهستانی فرمودند که مجلس بآن رأی داد و پیشنهاد آقای دهستانی این بود که این بنگاه داروئی ضمیمه وزارت بهداری بشود . چون پیشنهاد قابل توجه شد در کمیسیون ناگزیر بودیم آنرا قبول کردیم برای اینکه دیدیم حرف حسابی است بنابراین بهتر این است که آقایان موافقت بفرمایند که جزو وزارت بهداری باشد .

رئیس ـ رأی میگیریم به پیشنهاد آقای دکتر معظمی .

دکتر طاهری ـ بنده اخطار نظامنامه ای دارم .

رئیس ـ بفرمائید .

دکتر طاهری ـ بحذف رأی گرفته نمیشود بعد از اینکه سایر پیشنهادات خوانده شد تکلیف آنها معلوم شد تجزیه میشود جدا جدا رأی میگیرند و باین هم رأی می گیرند اگر رأی داده نشد طبعاً حذف شده است از این جهت تقاضا میکنم سایر پیشنهادات خوانده شود (صحیح است)

رئیس ـ پیشنهاد آقای رفیعی قرائت میشود :

پیشنهاد میکنم وزارت بهداری مکلف باشد سازمان بهداری را در تمام کشور بتناسب جمعیتهای هر محل قرار بدهد و همچنین نسبت بتقسیم دارو ها متناسب با سکنه هر منطقه باشد .

رئیس ـ آقای رفیعی .

رفیعی ـ گمان میکنم محتاج بتوضیح زیاد نباشد تشکیلاتی که در ظرف بیست سال قبل از این داده شده تمامش خاصه وخرجی بوده (صحیح است) عرض کنم حضور آقایان بسایر قسمتها کاری ندارم ولی آن چیزهائیکه خیلی مورد احتیاج مردم است و مربوط بحیات مردم است از قبیل بهداری که مربوط بهمه مردم است و مربوط بصحت وتندرستی مردم‌است اگر بنا باشد بهمان تناسب توی همان تشکیلات وسازمان اضافه بشود که وای بحال آن بیچاره های اهالی جنوب بیشتر ازهمه کرمان و بیشتر ازهمه بم برای اینکه در آن محلی که قریب چهارصد هزار نفر جمعیت دارد آقای وزیر بهداری میدانند که در آنجا چندنفر طبیب دارد البته یك پزشکیار آشنا هم در ده ندارد عرض کنم همانطور که همه مردم وهمه افراد درهرنقطه که باشند متحمل تحمیلات هستند . سربازمیدهند . مالیات میدهند بهمان تناسب هم حق دارند از مزایا استفاده کنند (صحیح است) اگر همانطورخاصه‌وخرجی‌باشددرست‌نیست‌مگراینکه‌وزارت بهداری مکلف باشد سازمان خود را به تناسب اهالی هرمحل ترتیب دهد عرض کنم حالااهالی جیرفت و نرماشیرنمیتوانند ازخود دفاع کنند برای‌اینکه اشخاص معنوی ندارند الآن هم ندارند کسیکه برای آنها دفاع کند یك منطقه‌ایست که نه خوراك دارند و نه لباس نه پول دارند و نه دوا اگر هم یکی در وسط این اهالی پیدا شود که پول داشته باشد دوا نیست بنابراین پیشنهاد بنده این بود که تشکیلات بهداری متناسب با جمعیتهای هر محل باشد و همچنین تقسیم دارو به تناسب جمعیت و سکنه هر محل باشد عرض بنده این بود که وزارت بهداری مکلف باشد این اصول را رعایت کند

رئیس ـ آقای مخبر قبول دارند ؟

دکتر کشاورز ـ (مخبر) ـ فرمایشات آقای رفیعی از نظر اصول صحیح است اما از نظر عمل صحیح در نمیآید برای اینکه کار وزارت بهداری یك کار ثابتی نیست یعنی نمیتوان پیش‌بینی کرد که درهر ناحیه‌ای‌مخارجیکه ضروری است از نقطه نظر بهداشتی چقدر است ؟ فرض بفرمائید در مملکت ما یك نقطه‌ایست که یك مرض واگیر میآید وازنظر حفظ سایر قسمتهای مملکت‌لازم باشد که نصف بودجه بهداری مملکت درآن محل خرج شود در اینصورت بایستی دست وزارت بهداری در خرج کردن در این موارد باز باشد ولی بنده تصورمیکنم پیشنهاد آقای رفیعی توضیح واضحات است برای اینکه وزارت بهداری یا شخص وزیر بهداری که نظر مخصوصی بیك نقطه از مملکت ندارد برای ایشان چه فرق میکند . درست‌است‌که ایشان ترك هستند ولی نظرمخصوصی که بآذربایجان ندارند مگر بایشان میشود ایراد کرد که شما میخواهید وضعیت بهداری آذربایجان را بهتر درنظربگیرید ایشان میخواهند با اوضاع واحوال واحتیاجاتیکه در بعضی از مناطق ایجاد میشود این بودجه را خرج کنند بنابراین بنده تقاضا میکنم آقای رفیعی لطف بفرمایند پیشنهاد خودشان‌را پس بگیرند .

رئیس ـ آقای رفیعی .

رفیعی ـ بنده از آقای دکتر کشاورز انتظار نداشتم که این فرمایشات را بفرمایند برای اینکه جیرفتی‌خانه ندارد برای اینکه جیرفتی و نرماشیری عنوان ندارد حالا بیائید بسنجید مقایسه کنید بودجه بهداری حوزه انتخابیه خود آقا و سایر قسمتها که مورد نظر بوده است از حیث تناسب تومانی پنجاه تومان باهم‌تناسب ندارد .

دکتر کشاورز ـ ماهم ناراضی هستیم .

رفیعی ـ درصورتیکه شما ناراضی هستید پس بنده چه باید بگویم در صورتیکه آنجا مردمان توانگری دارد مردمانی دارد که اگر احتیاج پیدا کند ازهرنقطه که باشد میتوانند طبیب و دارو تهیه کنند میتوانند وسایل کافی در

دسترس بگذارند ولی آنجا مردم بدبخت و بیچاره هستند آنهم در نقطه جیرفت و نرماشیر که اگر پول‌هم میداشتند (در صورتیکه ندارند) وسائلش آنجا فراهم نیست شما وقتیکه میخواهید یکنفر مأمورآنجا بفرستید کسی‌نمیرود چه برسد یکنفر طبیب که هیچوقت نخواهد رفت آنهم در آن نقطه بد آب و هوا که بایستی وزارت بهداری وسائل کارآنهارا فراهم کند اما مسئله واگیر ممکن است این یك موضوع‌اتفاقی‌باشد نسبت بتحمیل‌بربودجه (توجه‌فرمودید؟) البته بایستی در بعضی از قسمتها توجه بیشتری بشود ولی در اصل بودجه بایستی رعایت تساوی بشود بنابراین در پیشنهاد خودم باقی هستم .

[۹ ـ موقع و دستور جلسه آتیه ـ ختم جلسه]

رئیس ـ چون عده کافی نیست برای رأی اگر آقایان اجازه بفرمایند جلسه را ختم‌میکنیم **وجلسه آتیه‌هم روز پنجشنبه۲۶ امرداد ودستور هم بقیه همین‌لایحه و بقیه خبرهااست .**

چند نفرازنمایندگان ـ دستورپنجشنبه آینده‌استیضاح معین شده .

[جلسه پنجاه دقیقه بعد از ظهر ختم شد]

رئیس مجلس شورای ملی ـ محمد صادق‌طباطبائی